

▼
ترامپ، شب تحویل
سال میلادی
گذشته، حدود
ساعت ۹ شب به
وقت بغداد با من
تماس گرفت و از
پایان دادن به حادثه
حمله به سفارت
امریکا از ما تشکر کرد

زمانیان وارد بغداد شدند و توسط ابومهدی المهندس و چهار تن از همراهانش به نام‌های محمدرضا الجابری، حسن عبدالهادی، محمد الشیبانی و حیدرعلی، مورد استقبال قرار گرفتند. قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس سوار بر توپوتا آوالون شدند و همراهان‌شان با هیوندای استارکس به حرکت درآمدند. دو خودرو از باند خارج شدند و به سمت مرکز بغداد شتاب گرفتند و شش دقیقه بعد، به نزدیک نقطه بازرسی خارج از فرودگاه و محل انفجار رسیدند.

این داستان اما پرده دیگری هم دارد که عنایت به آن روایت شهادت را کامل‌تر می‌کند. ابتدا از یک مصاحبه آغاز می‌کنیم؛ مصاحبه هادی العامری با بی.بی.سی فارسی:

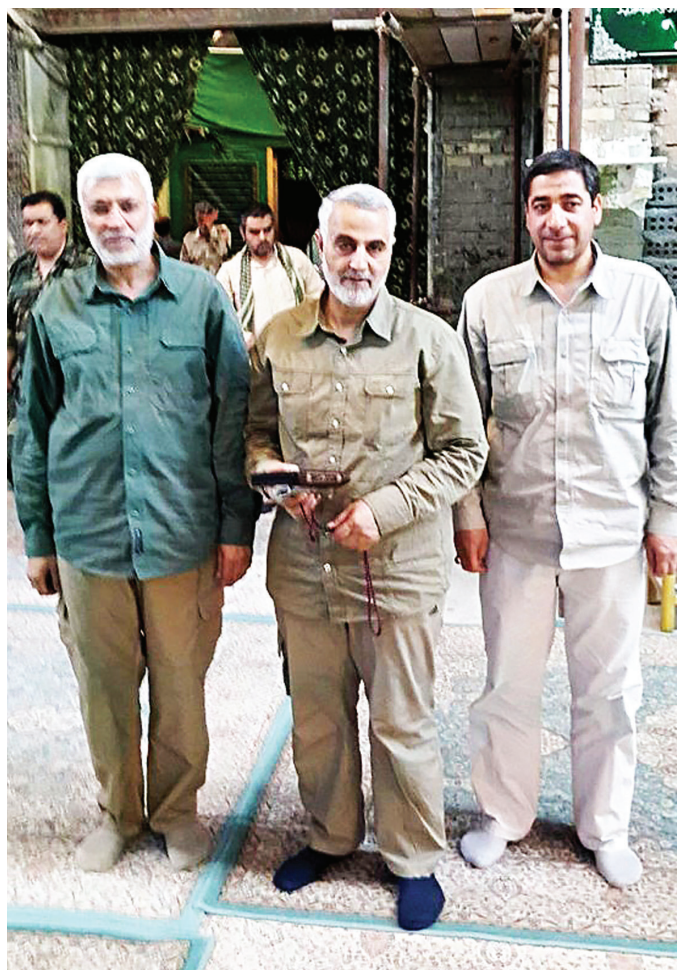
- من معتقدم امریکایی‌ها از مدت‌ها پیش برای ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی برنامه‌ریزی کرده بودند و [حمله به] سفارت، فقط بهانه بود. ما می‌دانیم چگونه عملیات نظامی می‌کنند؛ می‌دانیم برای عملیات ترور برنامه‌ریزی بلندمدت لازم است. ما بارها به حاج قاسم هشدار داده بودیم؛ اما او بر این باور بود که امریکایی‌ها آنقدر احمق نیستند که او را در عراق بکشند. معتقد بود، امریکایی‌ها همه کار می‌کنند تا در ایران ترورش کنند. من مطمئن شده بودم که حاج قاسم بعد از گرفتن پیام ما تصمیمش را برای آمدن به عراق عوض کرده. فقط قرار بود بروم لبنان و سوریه. اما بعدش فهمیدم که ظاهراً عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر وقت، با او تماس گرفته و گفته فکریایی دارد که می‌خواهد با او در میان بگذارد و این‌طور، حاج قاسم تصمیمش را عوض کرد و از سوریه به عراق آمد. او به دعوت عادل عبدالمهدی آمد. من دلم می‌خواهد یکی از عادل بپرسد موضوع دیدار چه بوده است. [۱۰]

تماس مشکوکی که هادی العامری به آن اشاره می‌کند، یک مکالمه تلفنی است؛ مکالمه‌ای که در یازدهم دی ۱۳۹۸ صورت گرفته است. عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر وقت عراق که یک طرف این مکالمه مهم بوده، می‌گوید:

- ترامپ، شب تحویل سال میلادی گذشته، حدود ساعت ۹ شب به وقت بغداد با من تماس گرفت و از پایان دادن به حادثه حمله به سفارت امریکا از ما تشکر کرد. بعد از من پرسید که «آنها (حمله‌کنندگان) عراقی بودند یا ایرانی؟» گفتم «عراقی‌ها به اقدام هواپیماهای امریکایی در بمباران گروه‌های مسلح در مرزهای مشترک با سوریه معترض بودند.» ترامپ گفت «امریکایی‌ها، ایرانی‌ها را خوب نمی‌شناسند؛ اما عراقی‌ها، آنها را خوب می‌شناسند.» به ترامپ گفتم «ایرانی‌ها می‌گویند دنبال جنگ نیستند؛ همان‌گونه که امریکایی‌ها خواهان جنگ نیستند.» به او پیشنهاد کردم که یا مستقیم با ایرانی‌ها مذاکره کند یا توافق‌های ضمنی همانند توافقی‌هایی که از سال ۲۰۰۳ منعقد شد، با آنها امضا کند. ترامپ به من گفت «شما مذاکره‌کنندگان خوبی هستید. آنچه در این باره از دست‌تان برمی‌آید، بکنید. ما آماده هستیم.» طی توافق و با دعوت رسمی قرار شد حاج قاسم سلیمانی برای گفت‌وگو به عراق بیاید. [۱۱]

البته عادل عبدالمهدی، روایت دیگری نیز دارد که می‌تواند ما را در فهم انگیزه سفر قاسم سلیمانی به بغداد یاری کند:

- «در ۲۷ یا ۲۸ سپتامبر (۵ یا ۶ مهر ۱۳۹۸) در پکن بودم که حاج قاسم سلیمانی با من تماس گرفت و گفت آیا امکان دارد برای میانجیگری به عربستان سعودی بروید؟» من گفتم «حتماً.» به بغداد بازگشتم و تصور می‌کنم شب همان روز به عربستان رفتم. البته پیش از سفر، به مقام‌های ریاض اطلاع داده بودم که من با هدف میانجیگری میان ایران و عربستان به آنجا می‌روم. در آنجا با ملک سلمان و سپس محمد بن سلمان ولیعهد سعودی، دیدار و موضوع را طرح کردم. او گفت «بسیار خوب. من به شما نامه‌ای می‌دهم و شما آن را به طرف ایرانی برسانید.» در آن روز، برادر الکاظمی و رئیس دفترم، محمدالهاشمی، در آنجا حضور داشتند. پیام را به ما دادند؛ اما نامه‌ای کاملاً خشک بود؛ یعنی نه سلامی در آن دیده می‌شد و نه



و محمد عبدالرضا الجابری - از اعضای تشریفات حشد الشعبی - به استقبال پنج نفر از افرادی که از هواپیمای مذکور پیاده شدند، رفتند. از این پنج نفر، دو نفر نسبتاً مسن بودند و ماسک بر صورت و کلاه بر سر داشتند و سوار خودروی توپوتا آوالون شدند و سه نفر دیگر، سوار خودروی دوم و پس از آنها، نیروهای تشریفات نیز سوار شدند.

- در ساعت ۳۱:۰۰، دو خودرو از فرودگاه خارج شده، دو دقیقه بعد، سایر مسافران از هواپیما پیاده شدند.

- در ساعت ۳۷:۰۰، صدای سه انفجار در نزدیکی فرودگاه به گوش رسید. [۹]

در خصوص این گزارش، دو توضیح، لازم به نظر می‌رسد: اول اینکه این گزارش توسط محققان و بازرسان عراقی تهیه شده و طبیعتاً ساعت‌های ذکر شده در متن گزارش، به وقت بغداد است و نه تهران، بنابراین باید در نظر داشت که اختلاف ساعت بغداد با تهران منفی ۳۰ دقیقه است؛ نکته دوم، در مورد مسافران هواپیماست. در گزارش، از دو فرد نسبتاً مسن یاد شده که از هواپیما پیاده می‌شوند. با توجه به اینکه در میان گروه قاسم سلیمانی جز خود او، فرد مسنی وجود نداشته، احتمال می‌رود نفر دوم، ابومهدی المهندس بوده که برای استقبال از سلیمانی وارد هواپیما شده و بعد کنار هم پیاده شده‌اند. شاید هم مراد از دومین فرد مسن، حسین پورجعفری باشد که ۵۳ ساله بوده و نسبت به سه همراه دیگر مسن‌تر به نظر می‌رسیده است.

در آن نیمه‌شب، قاسم سلیمانی و چهار تن از همراهانش به نام‌های حسین پورجعفری، هادی طارمی، شهروند مظفری نیا و وحید